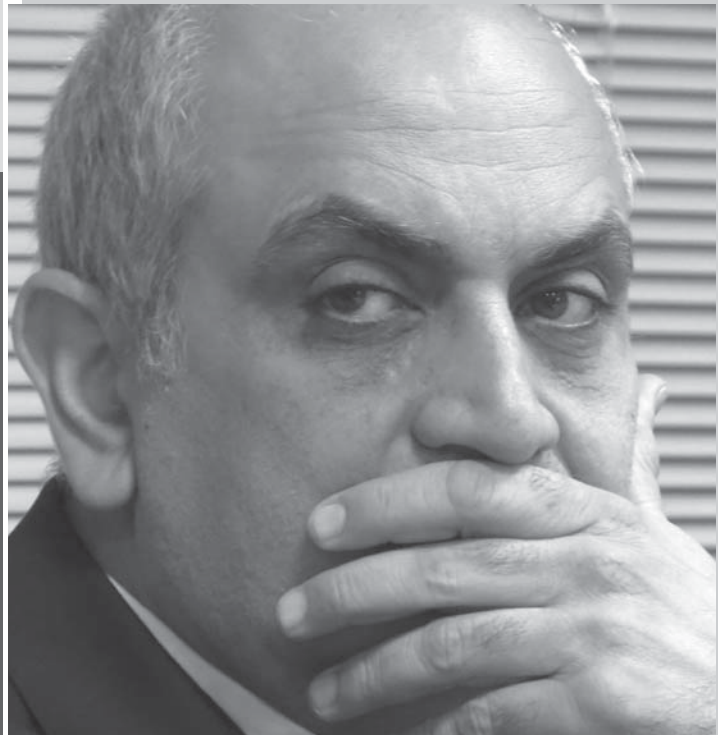


# از دوست پرسید چرا می شکند



گفت و گو با محمد کاردان پور - رئیس هیئت مدیره شرکت درین ریس سمنان

اشاره:

«امروز خود تحریمی‌ها بیشتر آزارمان می‌دهد تا تحریم‌های خارجی... سال‌هاست که تحریم‌های بین‌المللی را دور زده‌ایم و به نوعی با آن کنار آمده‌ایم ولی برای رفع چالش‌ها و مصائبی که در داخل کشور برای تولیدکننده به وجود می‌آید، چه باید کرد!؟»

رئیس هیئت مدیره شرکت درین ریس سمنان یادآور می‌شود: «امیدواریم شرایط مملکت به نحوی باشد که مردم در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... زندگی آرام و دور از مشقت و سختی داشته باشند و واحدهای تولیدی و مشاغلی که امروز وجود دارند؛ فردا از بین نروند...»  
این که متوجه شوند دیگر ایران توان کافی برای تولید نخ را ندارد؛ آن زمان با شرایط روز و ایده‌آل خود به مشتریان ایرانی مواد اولیه می‌فروشند؛ شرایطی که قطعاً برای ماسهل و ساده یا کم‌هزینه نخواهد بود؛ کما این که امروز پنبه را از تاجیکستان حدود ۳۰-۴۰ سنت گران‌تر خریداری می‌کنیم.»

۴ در حال حاضر وضعیت بخش ریسندگی نساجی چگونه است؟

ریسندگی، صنعتی است که حجم سرمایه‌گذاری در آن به مراتب بالاتر از بافندگی یا رنگرزی و تکمیل است طی ۱۰ سال گذشته بر مبنای سیاست‌های صحیح وزارت صمت، انگیزه سرمایه‌گذاران برای توسعه این بخش افزایش یافت و شاهد پیشرفت این بخش از صنعت نساجی در کشور بودیم.

۴ این توجه و سیاست‌گذاری برای توسعه ریسندگی چه دلیلی داشت؟

چون بخش ریسندگی در آستانه نابودی قرار گرفته بود. ۳۰ سال پیش بسیاری از واحدهای ریسندگی مانند پاکریس، فرنخ و... به تدریج متوقف شدند و به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری بالا در این بخش، دیگر انگیزه‌ای برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای از سوی مدیران کارخانجات وجود نداشت به همین دلیل وزارت صنعت برای رونق ریسندگی، سیاست‌های حمایتی بر اساس قیمت تمام شده کشور طراحی و پیاده‌سازی نمود. قیمت تمام شده در برخی بخش‌ها (به‌خصوص حوزه ریسندگی) بار مالی هنگفتی دارند

و به دلایل متعدد مانند کمبود پنبه، کارخانه‌های ریسندگی به اندازه حجم سرمایه‌گذاری خود، پنبه تهیه می‌کنند و یکی از رموز کیفیت بالای نخ‌های پنبه‌ای کشور همین نکته است.

موضوع دیگر سیاست‌های نظام پولی و بیست درصد بهره بانکی کشور است. اگر یک واحد صنعتی بخواهد چهار تا شش ماه مواد اولیه مورد نیاز را تأمین کند؛ طبعاً این امر قیمت تمام شده واحد ریسندگی را افزایش می‌دهد.

برخی معتقدند اگر ریسندگی دارای مزیت نسبی نیست؛ پس تولید نخ توجیهی ندارد! به‌عنوان یک فعال صنعتی اصلاً این موضوع را قبول ندارم. چون کشورهای بسیاری از جمله ترکیه که یکی از تولیدکنندگان مطرح و توانمند صنعت نساجی و پوشاک دنیا به شمار می‌آید، بخش عمده‌ای از پنبه مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می‌کند.

۴ به اعتقاد شما واردات نخ نباید انجام شود؟

واردات نخ باید به اندازه کمبودی که در کشور وجود دارد؛ انجام شود و یا اگر سیاست تعرفه درست بود، نیاز به محدودیت هم وجود نداشت.



«بعضی معتقدند صرفاً کیفیت نخ پنبه‌ای چند واحد ریسندگی انگشت‌شمار قابل قبول است که آنها نیز ظرفیت محدودی برای رفع نیاز واحدهای مصرف‌کننده دارند لذا واردات (حتی واردات نخ‌هایی که در کشور تولید می‌شوند) گریزناپذیر است. دیدگاه شما در این مورد چیست؟»

اگر واقعاً این‌طور است پس باید واردات از یکسری کشورها ممنوع شود! چون حتی در ازبکستان و یا هند بعضی کارخانه‌ها، نخ‌های باکیفیت و در حد کیفیت نخ‌های ایرانی تولید می‌کنند صحت این موضوع را مورد آزمایش قرار داده‌ایم و حتی بافندگان نیز اذعان دارند کیفیت شرکت X از یک اصلاً قابل قبول نیست. پس موضوعی که اشاره کردید بیشتر شبیه توجیه واردات است تا مشکل واقعی واحدهای بافندگی! بله مسلماً هزینه‌های تولید نخ در ایران بالاست و زمانی که فشارهای مضاعف بر کارخانه ریسندگی افزایش پیدا کند؛ قادر به تهیه مواد اولیه ۵-۶ ماه خود نخواهد بود.

در حال حاضر شاهد افت قیمت جهانی نخ هستیم و در عرض دو ماه گذشته قیمت نخ‌های خود را ۲۰ درصد کم کرده‌ایم. کدام کالا در کشور را سراغ دارید که قیمتش ۲۰ درصد کم شده باشد؟! طبعاً قیمت‌های خود را به سرعت با نرخ جهانی هماهنگ کردیم. اگر چند هفته پیش (همزمان با پایان فصل پنبه) این گفت‌وگو انجام می‌شد به شما اعلام می‌کردم تا دم درب کارخانه، مواد اولیه دپو کرده بودیم و نگرانی از تحریم‌ها، آخر فصل بودن و دغدغه‌های تهیه مواد اولیه در ایران بسیار سخت‌تر از شرایط تولیدکننده ازبک است که پس از صادرات نخ، مشمول تعرفه‌های تشویقی نیز می‌شود و مبالغ قابل توجهی بابت تهیه مواد اولیه را از دولت پس می‌گیرند ولی در کشور ما چنین امتیازاتی اصلاً وجود ندارد که بتوان به آن اشاره کرد.

بله ممکن است قیمت نخ یک واحد ریسندگی بالاتر از کارخانه ایکس باشد؛ اما مصرف‌کننده حاضر به قبول هزینه آن هست؟! باید تکرار کنم واردات با این تفکر که کیفیت نخ‌های تولیدی قابل قبول نیست؛ توجیه است تا دلیل منطقی.

ورزید. یکی از مشکلات بخش‌های مختلف نساجی، وجود دلالتان یا تجاری است که صرفاً برای رسیدن به منافع خود تلاش می‌کنند و گاه به نام تولیدکننده شناخته می‌شوند.

به اعتقاد من مشکلات صنایع نساجی و بخش ریسندگی زمانی اوج گرفت که نرخ تعرفه‌های گمرکی بهم ریخت و بزرگترین خیانتی که به تولید و صنعت کشور صورت گرفت؛ ارزش ۴۲۰۰ تومانی بود که در گمرکات باقی ماند و گرفتاری‌های بسیاری برای صنعتگران به وجود آورد.

تولیدکننده داخلی در حالی موظف (مجبور) به پرداخت ۹ درصد ارزش افزوده است که واردکننده عملاً یک هفتم این مبلغ را در گمرک می‌پرداخت!

طبعاً این وضعیت باعث شد همه تولیدکنندگان با مشکلات جدی مواجه شوند هر چند این شرایط گاهی با پیگیری مسئولین تحت کنترل قرار می‌گرفت اما طی چند ماه گذشته به دلیل تغییرات چارت سازمانی وزارت صمت، کنترل موضوع از دست خارج شد و به نظرم فاجعه از همین جا شکل گرفت و در کشوری با هزینه‌های گزاف تولید، مسلماً قیمت تمام شده قابل رقابت با مشابه خارجی نبود و این نکته عجیب یا پیچیده‌ای نیست و به خوبی نشان‌دهنده توجیه‌پذیری واردات می‌باشد.

«یعنی حجم تولید واحدهای ریسندگی کشور پاسخگوی نیاز کارخانه‌های مصرف‌کننده نیست؟»

در یکسری نخ‌های خاص باید واردات انجام شود اما برای مثال واردات نخ‌های شانه و یا نخ‌های ویسکوز و پلی‌استر پنبه هیچ‌گونه توجیهی ندارد زیرا تولید آن توسط کارخانه‌های ریسندگی کشور بدون هیچ مشکل و محدودیت خاصی در حال انجام است. فارغ از درستی یا نادرستی موضوع، کشور ما تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد و باید از این مورد حداکثر استفاده را برای حفظ اشتغال واحدهای داخلی به عمل آوریم.

نمی‌توان و نباید همان نخ‌هایی که توسط ده‌ها کارخانه ریسندگی تهیه و تولید می‌شوند؛ وارد کرد! منطق واردکنندگان، قیمت ارزان نخ‌های خارجی است (و نه کمبود نخ در کشور)؛ دلایل قیمت تمام شده بالای نخ در کشور هم فراوان است که اتفاقاً در صنعت پوشاک هم مصداق دارد و هیچ تولیدکننده پوشاکی در کشور از نظر مزیت قیمتی قادر به رقابت با پوشاک چینی نیست پس باید کل زنجیره صنعت نساجی در کنار هم مشاهده شود و نمی‌توان صرفاً منافع یک بخش مدنظر قرار گیرد و از تمرکز بر تمام مجموعه غفلت

می‌شود اما فعلاً حجم انبوهی را در بر نمی‌گیرد اما مطمئن باشید دو سال دیگر بافندگان واقعی خواهان لغو ثبت سفارش توسط وزارت صمت خواهند بود. متأسفانه بعضی مسئولان همگام با سیاست واردات و تجار هستند و برخی به دلیل عدم اطلاعات و دانش کافی، ناآگاهانه از واردات حمایت می‌کنند و به این ترتیب چند سال آتی باید منتظر وقوع بحران جدی در واحدهای نساجی کشور باشیم.

«از برزیل و استرالیا به عنوان مقاصد جدید برای واردات پنبه یاد می‌شود... امکان تهیه پنبه از این کشورها چگونه است؟»

پنبه برزیل را ۳۰ سنت ارزان‌تر از تاجیکستان تهیه کردیم اما مشکل بزرگ، هزینه‌های سنگین کرایه و مسافت طولانی ایران با برزیل است به همین دلیل تاجیکستان پنبه را گران‌تر از قیمت جهانی به ما می‌فروشد چون از نیاز مبرم ایران به پنبه آگاهی کامل دارد.

به یاد دارم هفت سال پیش هند بابت خرید نفت از ایران مبالغی ده‌هزار بود و این امر باعث شد یک‌باره قیمت ویسکوزهای هندی را یک دلار بالا ببرند. پس تولیدکنندگان هندی هم می‌دانند تحت شرایط تحریم و گرفتاری‌های بانکی می‌توانند هر کالایی را به هر قیمتی به ایران بفروشند و سودهای کلان ببرند! امروز به واسطه فعالیت برجسته برخی واحدهای معتبر و خوشنام ریسندگی، طرف تاجیک و هند قیمت‌ها را مدیریت (و به نوعی دامپینگ) می‌کنند

اگر چهار سال آینده به هر دلیلی این کارخانه‌ها از اجرای طرح توسعه و ادامه فعالیت باز بمانند؛ قطعاً نرخ وارداتی چندبرابر بالاتر از نرخ جهانی و طبق شرایط کشور مبدأ به دست واحدهای بافندگی می‌رسد؛ آن موقع برخی دوستان چه توجیهی برای واردات دارند و اصولاً دیدگاهشان چه خواهد بود!!!

تولیدکنندگان خارجی به محض این که متوجه شوند دیگر ایران توان کافی برای تولید نخ را ندارد؛ آن زمان با شرایط روز و ایده‌آل خود به مشتریان ایرانی مواد اولیه می‌فروشند؛ شرایطی که قطعاً برای ما سهل و ساده یا کم‌هزینه نخواهد بود؛ کما این که امروز پنبه را از تاجیکستان حدود ۳۰-۴۰ سنت گران‌تر خریداری می‌کنیم.

«یعنی ممکن است سرمایه‌گذاری‌ها به دیگر بخش‌های صنعت نساجی مانند بافندگی و ... حرکت کند؟»

خیر، الزاماً اینطور نخواهد شد چون کارخانه‌های بافندگی، رنگرزی و ... با حمایت واحدهای ریسندگی داخلی، نخ‌های خود را (حتی از خارج کشور) تهیه می‌کنند

اجازه دهید یک مثال واضح بزنم.. امسال قیمت‌های جهانی پنبه زیر ۲/۵ دلار است در حالی که هفته پیش پنبه تاجیکستان را ۲/۹۷ دلار (حدود ۳ دلار) خریداری کردیم! چرا؟ چون مسئولان اقتصادی و صنعتی این کشور از مسائل و مشکلات ما اطلاع کامل دارند و تحت رصد دقیق آنها قرار داریم.

تاجیکستان به خوبی می‌داند گزینه دوم ایران برای خرید پنبه محسوب می‌شود (گزینه اول ازبکستان بود که دیگر پنبه نمی‌فروشد) لذا این موقعیت را یک فرصت مناسب برای توسعه تجارت خود می‌بینند لذا پنبه را بالاتر از نرخ جهانی در اختیار خریداران ایرانی قرار می‌دهد.

هشدار می‌دهم که دو سال آینده ازبکستان به تهدید جدی در بخش بافندگی و تولید پارچه تبدیل خواهد شد و سال‌های آینده بازار پارچه‌های رنگی و سپس پوشاک ایران را هدف قرار می‌دهد.

البته در حال حاضر پارچه و پوشاک از این کشور وارد

«با این اوصاف، صادرات نخ پنبه‌ای انجام می‌شود یا تمام تولیدات واحدهای ریسندگی مورد مصرف کارخانه‌های داخلی قرار می‌گیرد؟»

به دلایل بسیار از جمله قیمت تمام شده بالاتر به دلیل تحریم‌ها و همچنین مشکلات مرادفات مالی با توجه به همین تحریم‌ها، امکان صادرات وجود ندارد.

از نظر مسائل کیفی و رعایت استانداردهای معتبر بین‌المللی، هیچ‌گونه مشکلی وجود ندارد و این موضوع را تمام واحدهای بافندگی کشور تأیید می‌کنند اما مشکل اصلی قیمت تمام شده است که بخش عمده آن به دلیل سیاست‌های کلان مملکتی است که بخش خصوصی هیچ نقشی در آن ندارد.

وقتی بهره بانکی سایر کشورها نزدیک به صفر است ولی در کشور ما با بهره بیست درصدی مواجهیم؛ نرخ ارز هم با نوسان شدید روبروست؛ صادرات توجیه منطقی و اقتصادی ندارد.

به شما اطمینان می‌دهم در صورت استمرار رویه فعلی در وزارت صمت و اجرای تعرفه‌های غیر اصولی، دیگر هیچ واحد ریسندگی در کشور راه‌اندازی نخواهد شد و اصولاً سرمایه‌گذاری در این بخش به دلیل هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری و نبودن امنیت نرخ آن توسط منابع ارزی صندوق توسعه ملی صورت نمی‌گیرد.





«شاید اگر از زاویه تولیدکننده تاجیک یا هندی به موضوع نگاه کنیم، فضای تجارت و کسب منافع مالی چنین ایجاب کند که مواد اولیه را با قیمت گرانتر به دست مصرف‌کننده خارجی برسانند...

بله، به هر حال Business is Business! مسئولین ما باید به فکر ایجاد و حفظ اشتغال نیروهای انسانی شاغل در واحدها و کارخانه‌های تولیدی باشند اگر با برنامه‌ریزی‌های نادرست، امکان ادامه فعالیت یک کارخانه با صدها کارگر را سلب کنند باید بدانند در آینده نزدیک بیکاری و بزهکاری‌های اجتماعی به معضلات بزرگ و جدی برای خودشان تبدیل خواهد شد.

«در مورد توسعه کشت پنبه در کشور هم توسط مسئولین امر صحبت‌هایی می‌شود. آیا امکان اتکا به پنبه تولید داخلی وجود دارد؟

اگر از لحاظ کمی و کیفی تولید پنبه به خودکفایی برسیم و مشکل الیاف غریبه برطرف شود؛ شاهد رفع بخش عمده‌ای از مشکلات واحدهای ریسندگی خواهیم بود؛ شاید سال گذشته به دلیل افزایش قیمت‌ها لزوم ارتقای کشت پنبه مورد توجه قرار گرفت اما این موضوع نباید ما را از مسیر اصلی دور کند که کیفیت پنبه و افزایش تولید آن به نفع صنعت ریسندگی کشور خواهد بود.

«احتمالاً در صورت وجود روال عادی تولید در مورد نوسازی و بازسازی خطوط واحدهای ریسندگی از شما سوال می‌کردیم که در چه شرایطی قرار دارند اما به نظر می‌رسد وقتی در تهیه بدیهی‌ترین بخش تولید یعنی مواد اولیه بازمانده‌ایم؛ صحبت از تهیه ماشین‌آلات مدرن چندان در اولویت نباشد!

ببینید هر چند در بخش بافندگی و رنگریزی فعالیت‌هایی انجام داده‌ایم و ماشین‌آلات نیز در حال نصب و راه‌اندازی باشند اما کار منطقی و درست، اجرای طرح توسعه‌ای حول محور ریسندگی بود. یکی از دلایل این اقدام نابسامانی وضعیت بخش ریسندگی و نگرانی ما نسبت به سرمایه‌گذاری انجام شده بود. تأکید می‌کنم تمانی دوستانی که در این رشته سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ همان کسانی هستند که طی سال‌های پیش کارخانه ریسندگی را راه‌اندازی نموده‌اند و یا در حال راه‌اندازی باشند سیاست‌های نادرست واردات و وضع تعرفه‌های نادرست وزارت صنعت در این بخش (که سرمایه‌های سنگینی می‌طلبید) باعث شده واحد جدیدی را راه‌اندازی نکنند. کارخانه‌های موجود نیز با چنگ و دندان به تولید ادامه خواهند داد ولی توان و قدرت آنان نیز اندازه‌ای دارد و خطر تعطیلی واحدهای ریسندگی را به شدت تهدید می‌کند مگر این که تجدیدنظر و بازنگری اساسی در سیاست‌گذاری‌های فعلی توسط دولتمردان صورت گیرد.

«و در مورد تأثیر تحریم‌ها...

به هر حال تحریم در افزایش قیمت تمام شده محصولات ما اثرگذار بوده و هست. وقتی در کشور ما تولیدکننده مجبور است مبلغی را در دویی یا ترکیه (کشور ثالث) به صورت نقدی و درصدی به نماینده‌ای که فروشنده مواد اولیه یا ماشین‌آلات معرفی می‌کند؛ بپردازد تا به حساب فروشنده اصلی حواله شود؛ ضمناً نماینده صرفاً، از ۲ تا ۵ درصد از ما دریافت می‌کند و تقریباً تمام تولیدکنندگان ایرانی، تحریم‌ها را این چنین دور می‌زنند.

وقتی برای حواله ساده بانکی مجبورم بعضاً چند درصد بیشتر بپردازم؛ تکلیف سایر بخش‌ها همچون هزینه حامل‌های انرژی، حقوق و دستمزد نیروهای

انسانی و ... که کاملاً مشخص است! مگر می‌توان گفت تحریم‌ها اثر ندارد و متأسفانه هزینه‌های سنگین آن باری بر دوش مصرف‌کنندگان نهایی است.

«اگر فردی تمایل به سرمایه‌گذاری در یک بخش تولیدی و مولد داشته باشد، حضور در بخش ریسندگی را به وی توصیه یا پیشنهاد می‌کنید؟

به‌عنوان یک تولیدکننده برایم بسیار لذت‌بخش است که فرصتی فراهم شده تا زمینه اشتغال برای تعدادی از هموطنانم فراهم و حفظ نمایم هرچند برخی ترجیح می‌دهند به دلیل شرایط نابسامان اقتصادی به خارج از کشور مهاجرت کنند یا سرمایه خود را به فعالیت‌های غیر تولید و صنعت اختصاص دهند. در پاسخ به سوال شما باید بگویم توصیه می‌کنم در مملکت خودش (چه در صنعت نساجی یا سایر صنایع) سرمایه‌گذاری کند. هر کسی به سهم خود برای جوانان کشور اشتغال‌زایی می‌کند و سرمایه خود را مانند سایرین به خارج کشور انتقال نمی‌دهد؛ ستودنی است. اگر قرار باشد همه وطن را ترک کنیم؛ چه خواهد شد!؟

«نکته پایانی

کشور ما تحت تحریم قرار دارد، صادرات به آسانی امکان‌پذیر نیست، مواد اولیه و ماشین‌آلات با چندبرابر هزینه بیشتر از کشور ثالث وارد می‌شود، همه این موانع و مشکلات را پذیرفته‌ایم اما داستان اینجاست که:

«هر کس به طریقی دل ما می‌شکند

بیگانه جدا، دوست جدا می‌شکند

بیگانه اگر می‌شکند حرفی نیست؛

از دوست بپرسید چرا می‌شکند!»

امروز خودتحریمی‌ها بیشتر آزارمان می‌دهد تا تحریم‌های خارجی.. سال‌هاست که تحریم‌های بین‌المللی را دور زده‌ایم و به نوعی با آن کنار آمده‌ایم ولی برای رفع چالش‌ها و مصائبی که در داخل کشور برای تولیدکننده به وجود می‌آید، چه باید کرد!؟

امیدواریم شرایط مملکت به نحوی باشد که مردم در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... زندگی آرام و دور از مشقت و سختی داشته باشند و واحدهای تولیدی و مشاغلی که امروز وجود دارند؛ فردا از بین نروند...